

آسیب‌شناسی تبویب روایات؛ مطالعه موردی: ابواب «آب مضاف» در کتاب وسائل الشیعه

فرهاد رحمان‌پور^۱

امیر احمدنژاد^۲

چکیده:

تبویب موضوعی روایات که از جوامع حدیثی متقدم مرسوم بوده، در جوامع حدیثی متأخر به‌ویژه کتاب *وسائل الشیعه* شکل کامل‌تری به خود گرفته است، تا آن‌جا که در بسیاری از موارد، عناوین ابواب در این کتاب مبین قول مشهور، فتوای صریح مؤلف یا متضمن آن است. در این پژوهش با مطالعه موردی ابواب «آب مضاف و مستعمل» و سایر ابواب مرتبط با آن در کتاب یاد شده، آسیب‌شناسی تبویب جوامع روایی به ورطه پژوهش آمده است. حاصل بررسی‌های فقه‌الحدیثی این پژوهش نشان می‌دهد که روایات ابواب مضاف و سایر ابواب مرتبط، بر دو قول مشهور در این حوزه که عنوان دو باب از ابواب کتاب مذکور را به خود اختصاص داده‌اند، یعنی: «مضاف حدّث را رفع نمی‌کند و خَبَث را زایل نمی‌کند» و «آب مضاف در بر خورد با نجاست، نجس می‌شود؛ حتی اگر زیاد باشد» دلالتی ندارند. بر مبنای این مطالعه، «رأی مؤلف» یا «قول مشهور» می‌تواند، به مثابه یک فرامتن در تبویب جوامع روایی به شکل تکثیر غیرمرتبط، ادعای وجود یا کثرت روایات موافق، به متن راه یابد و از این‌رو لازم است، در پژوهش‌های فقه‌الحدیثی، به منزله یک آسیب مد نظر قرارگیرد.

کلیدواژه‌ها: جامع‌نگری، تبویب، آسیب‌شناسی، وسائل الشیعه، آب مضاف.

^۱. دانش‌آموخته دکترای الهیات و معارف اسلامی (علوم قرآن و حدیث)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان

^۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

نوآوری: مقاله حاضر یک پژوهش فقه‌الحديثی است که با رویکردی جامع‌نگر به تهامی روایات مرتبط با موضوع مورد مطالعه در کتاب وسائل الشیعه، به آسیب‌شناسی تبویب روایات در جوامع روایی پرداخته و تبویب را به منزله یک آسیب بالقوه در فقه‌الحديث بازشناسی نموده است. بنابراین رویکرد جامع‌نگر به معنای بررسی و بازخوانی همه روایات مرتبط با موضوع و خروج از قید و بند تبویب و بهره‌گیری از این رویکرد برای آسیب‌شناسی فقه‌الحديث، در این پژوهش مورد نظر بوده است.

مقدمه

بررسی جوامع روایی متقدم امامیه نشان می‌دهد که روایات در این منابع، ذیل عناوین موضوعی اصلی و سپس عناوین فرعی سامان یافته و عناوین ابواب نیز ناظر به مضمون کلی روایات و بازتاب کلیت محتوای آنها بوده است (نک: طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۴؛ ج ۲، ص ۶۲-۷۷). در جوامع روایی متأخر، به‌ویژه در کتاب وسائل الشیعه اثر شیخ حر عاملی، این شیوه تبویب صورتی متفاوت یافته است؛ به‌گونه‌ای که عنوان باب، در مواردی، افزون بر حکایت محتوای روایات، متضمن نظر و داوری مؤلف یا بازتاب‌دهنده قول مشهور نیز شده است (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۵؛ ج ۳، ص ۵۹-۱۴۰). هرچند چنین شیوه‌ای، دستیابی پژوهشگر به روایات مرتبط با موضوع را تسهیل و راه مراجعه به میراث حدیثی را هموار می‌سازد، مسأله اساسی آن است که آیا عنوان باب را می‌توان همواره گزارشی بی‌طرف از مفاد روایات دانست، یا آن‌که این عنوان در مواردی، خود حامل پیش‌فرض و داوری مؤلف است و می‌تواند پیش از مواجهه مستقیم پژوهشگر با متن روایت، مسیر فهم و تفسیر آن را جهت‌دهی کند؟ به بیان دیگر، اگر میان عنوان باب و مجموع روایات ذیل آن فاصله یا ناسازگاری وجود داشته باشد، آیا اعتماد به ساختار تبویبی نمی‌تواند پژوهشگر را از ملاحظه جامع روایات مرتبط بازدارد و در نتیجه، به برداشت ناصواب از مفاد آنها بینجامد؟ این مسأله از آن جهت اهمیت بیشتری می‌یابد که تبویب، که اساساً برای سامان‌دهی میراث حدیثی و تسهیل فهم آن توسعه یافته است، ممکن است خود به یکی از عوامل جهت‌دهنده به فهم حدیث و از آسیب‌های فرآیند فقه‌الحديث تبدیل شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با توجه به جایگاه ممتاز کتاب وسائل الشیعه در فرایند استنباط احکام شرعی در قرون

اخیر، با رویکردی جامع‌نگر، «ابواب آب مضاف و مستعمل» و دیگر روایات مرتبط با این موضوع و نیز عناوین ابواب مورد اشاره شیخ حر در ذیل آن‌ها را بازخوانی و با سنجش نسبت میان عناوین ابواب و مفاد مجموع روایات، امکان و چگونگی تأثیرگذاری تبویب بر فهم حدیث را بررسی نموده است.

پیشینه: پژوهش‌های معاصر در حوزه فهم حدیث که به شیوه نوین حوزه‌های علوم انسانی، «آسیب‌شناسی» فهم حدیث را دسته‌بندی و تبیین نموده‌اند، عموماً تقطیع حدیث در جوامع روایی را به مثابه یک آسیب بیان نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳؛ نصیری، ۱۳۹۰؛ مسعودی، ۱۳۸۹). در این میان اما پژوهشی درآمدگونه، تحلیلی بر موضوع تبویب کتب حدیث داشته، آن را به منزله یک آسیب جدی در فهم حدیث، بازشناخته و گونه‌شناسی نموده است (مهریزی، ۱۴۰۰). آن پژوهش پس از نقل اندک‌یافته‌های خود در میان محققان این حوزه که به اجمال تبویب را در قالب سه آسیب یعنی «تقطیع»، «عدم تناسب حدیث با عنوان باب» و «اجتهاد در عناوین» نقد نموده‌اند؛ نقدهای وارد بر تبویب کتب حدیثی اخباریان را دسته‌بندی نموده‌است: الف- نیابردن حدیث در باب مربوطه؛ ب- نداشتن توجه لازم به احادیث مخالف؛ ج- آوردن احادیث با مضمون عام در ذیل عنوان خاص؛ د- جهت‌دار بودن عناوین؛ ه- تکثیر غیرمرتبط (مهریزی، ۱۴۰۰، ص ۵۱-۵۹). آن‌گاه مواجهه آگاهانه با تبویب را مهمترین راه‌کار دانسته و پژوهش‌های تحلیلی به منظور نشان‌دادن این آسیب‌ها را اولویت جدی این حوزه می‌داند (مهریزی، ۱۴۰۰، ص ۶۰).

پژوهش‌های پیشین درباره این کتاب، متذکر می‌شوند که: (۱) عناوین باب در کتاب وسائل/الشیعه عموماً برگرفته از روایات و موافق با فتوای شیخ حر است؛ (۲) وی روایات قوی‌تر را در ابتدای هر باب آورده است؛ (۳) شیخ حر روایات ضعیف یا مخالف را تا حد امکان کنار نگذاشته و تمام تلاش خود را در رفع تعارض روایات به کار گرفته است (ربانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶-۲۰۱؛ فتاحی‌زاده و افشاری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹).

در خصوص موضوع مطالعه موردی (آب مضاف)، پژوهشی اخیر با هدف نقد دیدگاه مشهور فقها مبنی بر سرایت نجاست به مایعات مضاف کثیر، پس از مرور نظر فقها و تعداد اندکی از روایات مشهور در این باب، عدم سرایت نجاست در مایعات کثیر را نتیجه گرفته است

(مسعودی پور و دیگران، ۱۴۰۴). اما اقتضای روش فقهی آن و تحدید موضوع به آب مضاف کثیر، آن مقاله را از پرداختن به کثیری از روایات مرتبط بازداشته و یک پژوهش فقه‌الحدیثی جامع‌نگر در این حوزه نبوده است؛ اگرچه هم‌راستایی یافته آن پژوهش فقهی با بخشی از نتایج این مقاله در جایگاه خود بیان خواهد شد.

۱. عبارت «آب مضاف» در روایات امامیه:

بر اساس بررسی انجام شده در این پژوهش، کاربرد لفظ «مضاف» در روایات امامیه برای توصیف نوعی از آب، تنها در یک روایت یافت شد. این روایت در کتاب فقهی منسوب به امام رضا (ع) و همچون بسیاری از روایات این کتاب با تعبیر قال العالم (ع) نقل شده است. بر اساس این روایت، تطهیر با هر آب مضاف یا مضاف‌الیه، جایز نیست ولی نوشیدن آن جایز است. مانند: گلاب، آب کدو، سرکه و ... (الفقه المنسوب الی الامام الرضا (ع)، ۱۴۰۶ق، ص ۹۲).

نکته مهم در بررسی این روایت، بحث صحت یا عدم صحت انتساب کتاب فقه الرضا (ع) به امام رضا (ع) است. چرا که این کتاب تا زمان محمدتقی مجلسی (د ۱۰۷۰ق) در میان شیعیان متداول نبوده و او نخستین کسی است که آن را رواج داده و در کتاب *لوامع صاحبقرانی* از آن یاد کرده است (همان، ص ۱۱).

اما به رغم اعتماد مجلسی به این کتاب (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۱۳)، در قرون اخیر این احتمال داده شده که کتاب فقه الرضا همان کتاب التکلیف محمدبن علی شلمغانی (د ۳۲۳ق) باشد (نک: صفری فروشانی و ذاکری، ۱۳۹۳، ص ۳۵)؛ هر چند که بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که این دو کتاب به‌طور کامل بر یکدیگر انطباق ندارند ولی پیوندهای غیرقابل تفکیکی میان آن دو وجود دارد (همان، ص ۴۱). پژوهش‌های دیگر در خصوص مؤلف کتاب فقه الرضا نیز احتمالاتی را بیان می‌کنند که مهمترین آن‌ها عبارتند از: انتساب به شلمغانی؛ تألیف یکی از اصحاب امام (ع)؛ تألیف علی بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)؛ فتاوی برخی از علما. اما در نهایت احتمال انتساب کتاب به امام رضا (ع) را بعید دانسته‌اند (مهریزی و فتحی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۰۶-۲۰۸ و نک: استادی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۵۷-۱۵۹).

بنابراین با توجه به وجود تردیدهای جدی در انتساب کتاب به امام رضا (ع)، می‌توان با اطمینان بالایی از عدم ذکر اصطلاح «آب مضاف» در روایات امامیه خبر داد. به‌همین ترتیب، اصطلاح «آب مطلق» نیز هیچ پیشینه روایی ندارد و از این‌رو انتظار یافتن تعاریف معین برای دو اصطلاح «آب مضاف» و «آب مطلق» در روایات امامیه، انتظار درستی نیست.

۲. بازخوانی روایات مرتبط با «آب مضاف» در کتاب وسائل الشیعه

به جز از یک مورد در کتاب الاستبصار (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۴)، از میان مؤلفان جوامع روایی شیعه (از کتاب المحاسن برقی تا جوامع روایی متأخر)، شیخ حر عاملی (د ۱۱۰۴ق) تنها مؤلفی است که از اصطلاحات آب مطلق و مضاف در تبویب و شرح روایات ابواب مختلف یک جامع روایی به‌طور مکرر بهره‌جسته است (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۶۸، ص ۲۰۱، ج ۲، ص ۲۴۲، ج ۳، ص ۴۲۲). این در حالی است که دیگر فقیهان مؤلف جوامع روایی هم عصر او یعنی فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ق) در الوافی و مجلسی (د ۱۱۱۰ق) در بحار الانوار چون شیخ حر عمل ننموده‌اند و تنها مجلسی در شرح یگانه روایتی که عبارت آب مضاف در آن به کار رفته، یعنی همان روایت منقول از کتاب فقه الرضا (ع) واژه مضاف را استفاده ننموده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۳۹ و ۴۰).

بررسی روایات «ابواب آب مضاف و مستعمل» در وسائل الشیعه، نشان می‌دهد که بر اساس تعریف رایج آب مضاف، از ۵۳ روایت این ابواب، تنها حدود یک پنجم آن را می‌توان با موضوع آب مضاف مرتبط دانست^۱ و مابقی روایات در رابطه با آب مستعمل، آب مسخن (حرارت‌دیده)، آب استنجاء و یا موارد متفرقه طهارت هستند. البته شیخ حر در چندین مورد برای تأیید مضمون یک حدیث به عناوین ابواب دیگر نیز ارجاع داده است (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱). هم‌چنین از میان ۱۴ عنوان از ابواب آب مضاف، عنوان دو باب متضمن دو نظر مهم در خصوص مطهر نبودن و نجس شدن آب مضاف در برخورد با نجاست است.

^۱ احادیث شماره‌ی: ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۶۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق،

در ادامه مقاله، روایات مرتبط با موضوع از ابواب مذکور و همچنین سایر ابواب مرتبط و حتی المقدور هر روایت مرتبط دیگر، استخراج و بر اساس موضوع مورد بررسی، دسته‌بندی شده و مفهوم و دلالت آن‌ها در قالب شش گروه اصلی و نه زیرگروه، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱. روایات آب دریا

بر اساس چهار روایت نقل شده در ابواب آب مطلق، آب دریا طهور و وضو گرفتن با آن جایز دانسته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۳۶). در این دسته از روایات، آب دریا که در واقع همان آب رودخانه‌ها و آب باران بوده و به علت امتزاج با املاح معدنی و مواد آلی، دچار تغییر مزه و تا حدودی تغییر رنگ شده، همچنان مَطْهَر و وضو با آن جایز دانسته شده است.

۲-۲. روایات لبن

حر عاملی عنوان باب نخست از ابواب آب مضاف را چنین برگزیده است: «مُضَاف حَدَثٍ رَافِعٍ وَ خَبَثٍ رَافِعٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۱). او در این باب دو روایت و در باب «حکم نبیذ و شیر» یک روایت را نقل می‌نماید که مدلول هر سه، جایز نبودن وضو با شیر است (همان، ص ۲۰۱-۲۰۲، ح ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰).

قابل توجه است که شیخ در چنین بابی که عنوان آن دربردارنده یک نظریه کلی و مهم است، تنها دو حدیث آن هم با مدلول عدم جواز وضو با شیر را نقل کرده است. البته او در انتهای باب می‌افزاید: بیشتر روایات کتاب طهارت در ابواب آب [مطلق]، نجاسات، تیمم، وضو، غسل و غیر آن، بر این موضوع دلالت می‌نماید و وجه موارد خلاف آن که همگی موافق با مذهب عامه است، در آینده بیان خواهد شد (همان، ص ۲۰۱-۲۰۲).

از این رو در ادامه به منظور بررسی مدعای شیخ، احادیث مورد اشاره او بر اساس استخراج مؤسسه آل‌البیت (همان، ج ۱، ص ۲۰۲، پاورقی) و پژوهش حاضر، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۲-۱. احادیث ابواب آب مطلق

بررسی روایات مورد نظر در ابواب آب مطلق (همان، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۴۱، ح ۱، ۳، ۵، ۱۰ و ۱۲)، نشان می‌دهد که مدلول این روایات، عدم جواز شرب و وضو با آبی است که به وسیله مردار و یا بول جانوران و انسان دچار تَغْيَر (تغییر در رنگ یا بو یا مزه) شده است. به عبارت دیگر، به رغم عنوان باب (مضاف حدث را رفع و آلودگی را زایل نمی‌کند)، این روایات تنها بر یک نوع از مضاف یعنی مضاف به نجاست دلالت دارند.

هم‌چنین از ۱۹۶ روایت (با تکرار) در ابواب آب مطلق، نه تنها هیچ یک از آن‌ها با عنوان باب ارتباط ندارد بلکه بر اساس یکی از روایات ابواب آب مطلق، وضو با آب آجن^۱ در صورت عدم وجود آب دیگر جایز شمرده شده است (همان، ج ۱، ص ۱۳۸).

۲-۲-۲. احادیث ابواب نجاسات

در ابواب نجاسات، مرتبط‌ترین روایت با مدعای شیخ حر روایتی از امام صادق (ع) در مورد شیر شتر، گاو و گوسفند و هم‌چنین بول و گوشت این حیوانات است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْبَلِّ وَالْغَنَمِ وَالْبَقَرِ وَأَبْوَالِهَا وَلَحُومِهَا فَقَالَ لَا تَوْضَأُ مِنْهُ وَإِنْ أَصَابَكَ مِنْهُ شَيْءٌ أَوْ ثَوْبًا لَكَ فَلَا تَغْسِلُهُ إِلَّا أَنْ تَتَنَظَّفَ وَسَأَلْتُهُ عَنْ أَبْوَالِ الدَّوَابِّ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ فَقَالَ اغْسِلْهُ ... (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۷؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۷۸)؛ از امام صادق (ع) پرسیدم در مورد شیر شتر، گوسفند و گاو و هم‌چنین بول و گوشت‌های آن، فرمود: با آن وضو مگیر ولی اگر چیزی از آن به بدن و لباس برخورد نمود، آن را شستشو مکن، مگر اینکه بخواهی پاکیزه باشی و پرسیدم از او در مورد بول چهارپایان و قاطر و الاغ، فرمود: آن را بشوی

...

^۱ آب آجن آبی است که به علت ماندگاری زیاد، بوی آن (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۱۰۴۵) و یا طعم و رنگ آن (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۲۰۶۷) تغییر کرده و ممکن است که دچار زالو (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۹۴۰) و کرم‌های آبی (همان، ج ۲، ص ۱۱۹۶) شده باشد.

در حوزه مورد بحث، محمد باقر مجلسی احتمال می‌دهد که مراد حدیث، شکسته‌شدن وضو با نوشیدن شیر و یا همراه بودن آن با ادرار و منظور از وضو (توضی) در این روایت، شستشوی بدن باشد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۳، ص ۱۶۱).

به نظر می‌رسد که احتمال‌هایی که مجلسی مطرح کرده، بیشتر ناشی از بعید پنداشتن سؤال در مورد وضو با ادرار حیوانات بوده است. اما بررسی روایات نشان می‌دهد که تصور وضو گرفتن با ادرار حیواناتی مانند شتر هیچ استبعادی ندارد. چرا که بر اساس روایتی در صحیح بخاری، نوشیدن ادرار شتر برای درمان در زمان پیامبر (ص) مورد توجه بوده است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۲۳) و در روایت دیگری نیز نوشیدن ادرار شتر، گاو و گوسفند از برای مداوا، جایز دانسته شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۴).

بنابراین در ابواب نجاسات، مدلول تنها روایت مرتبط با موضوع آب مضاف، عدم جواز وضو با ادرار و یا شیر حیوانات حلال گوشت مانند گاو، گوسفند و شتر و به طریق اولی، سایر حیوانات است.

۳-۲-۲. احادیث ابواب تیمم

از میان ۱۴۵ روایتی که شیخ حر در ابواب تیمم نقل کرده است، می‌توان دو روایت را با موضوع آب مضاف، مرتبط دانست. نخست، روایت بخش ۲-۲ که بر عدم جواز وضو با شیر و در عوض آن تیمم دلالت می‌کند که در ابواب تیمم به همان شکل تکرار شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۵۱) و دیگر، روایتی است، در مورد شخصی که دو ظرف آب به همراه دارد در حالی که می‌داند در یکی از آن‌ها آلودگی (قَذَر) افتاده ولی نمی‌داند که کدام ظرف است و آب دیگری نیز به همراه ندارد؛ در پاسخ او امام می‌فرماید که هر دو را دور بریزد و تیمم نماید (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۴۵).

اما با توجه به معنای واژه قَذَر که در مجموعه روایات ابواب آب مطلق در برابر واژه طاهر به کار رفته و علی‌العموم شامل آلودگی‌هایی است که اجتناب از آن‌ها ضرورت دارد (مانند: همان، ج ۱، ص ۱۳۴، ۱۵۱ و ۱۵۲)، مدلول این روایت، عدم جواز استفاده از آب ظروفی است که مضاف

به نجاست یا آلودگی شده و چه بسا به دلیل حجم کوچک ظرف، دچار تغییر رنگ یا بو نیز شده باشد.

۴-۲-۲. احادیث ابواب وضو

بررسی روایات ابواب وضو (همان، ج ۱، ص ۳۶۵-۴۹۲) نشان می‌دهد که از ۳۴۰ روایت این ابواب، هیچ یک از آن‌ها با مدعای شیخ حر و حتی با مفهوم آب مضاف ارتباطی ندارند. البته در تعدادی از این روایات به نوعی به مسأله وضو با آب اشاره می‌شود؛ اما مدلول اصلی این روایات، موضوعات دیگری مانند نحوه زدن آب به صورت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۳۴)، رسیدن آب به پوست سر (همان، ج ۱، ص ۴۵۵) و مقدار آب وضو (همان، ج ۱، ص ۴۸۱) است.

در نتیجه به نظر می‌رسد، تنها استدلال شیخ حر در اشاره به این روایات به منزله مؤید، اطلاق لفظ «ماء» در آن‌ها بوده است. به این معنا که چون لفظ «ماء» بدون قید آمده است، پس آب‌های که در اصطلاح، مضاف هستند را شامل نمی‌شود. اما این استدلال را به دلایل زیر نمی‌توان استدلال کاملی دانست:

۱) ممکن است که اطلاق لفظ آب در روایات به دوگانه مطلق-مضاف بازنگشته و دوگانه‌های دیگری مانند طهارت-نجاست را مد نظر داشته باشد. به‌ویژه که دو اصطلاح آب مضاف و مطلق از اساس، منشأ روایی ندارند؛

۲) بررسی روایات نشان می‌دهد که مهمترین صفت مورد توجه برای آب در روایات، صفت «طهارت» آب در برابر «نجاست» آن و به عبارت دیگر، مهمترین دوگانه مرتبط با آب در روایات امامیه، دوگانه طهارت-نجاست بوده است (مانند: همان، ج ۱، ص ۳۲۳ و ح ۴۸۳؛ ج ۳، ص ۴۱۵۷) و نه دوگانه مضاف-مطلق؛

۳) لفظ «ماء» در آیه «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» (الطارق، ۶) نیز اطلاق دارد ولی آب مطلق مورد نظر آیه نبوده است.

در مجموع، روایات ابواب وضو نه تنها مؤیدی بر مدعای شیخ حر نیست، بلکه حتی نمی‌توان عدم جواز وضو با آب به اصطلاح مضاف را نیز از آن‌ها نتیجه گرفت. به‌ویژه که بر اساس حدیثی که در بخش‌های بعد به آن پرداخته خواهد شد، وضو با گلاب، جایز دانسته شده است.

۵-۲-۲. احادیث ابواب غسل

بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که در این ابواب نیز مانند ابواب وضو مفاهیم آب مطلق و مضاف و احکام اختصاصی آن‌ها، موضوع روایات نبوده است. اگرچه استثناء مهمی در ابواب غسل میت وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در باب کیفیت غسل میت و احکام آن در چند روایت با اصطلاح «ماء قَرَّاح» روبرو هستیم. در این روایات در تشریح غسل میت گفته شده که بدن میت پس از شستشو با آب‌های آمیخته به سدر و کافور، با آب قَرَّاح شستشو شود (همان، ج ۲، ص ۴۷۹-۴۸۶). در یک روایت نیز گفته شده که برای شستشوی میت در مرحله سوم از آب بَحْت استفاده شود (همان، ج ۲، ص ۴۸۰).

«قَرَّاح» آبی است که با رسوباتی مانند آرد (سویق) و امثال آن مخلوط نباشد (فراهدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۴). واژه «بَحْت» نیز به معنای هر چیز خالص است (همان، ج ۳، ص ۱۹۵). بر این اساس روشن است که منظور از آب قَرَّاح یا بَحْت در روایات مذکور، آبی است که با سدر، کافور و امثال آن مخلوط نباشد و بنابراین می‌توان مفهوم آن را به مفهوم آب مطلق نزدیک دانست.

اما از آنجا که بررسی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کاربرد واژه‌های بَحْت و قَرَّاح در ابواب طهارت به موارد مذکور در ابواب غسل میت منحصر بوده است، نمی‌توان مفهوم آب قَرَّاح یا بَحْت را که در این ابواب در مقابل آب آمیخته به سدر و کافور به کار رفته به سایر ابواب طهارت تسری داد. به عبارت دیگر، از تأکید بر شستشوی بدن میت با آب قَرَّاح، نمی‌توان نتیجه گرفت که آب‌های آمیخته به سدر و کافور، رافع حدث و زایل کننده خبث نیستند. زیرا بسیار محتمل است که هدف از دستور شستشو با آب قَرَّاح در مرحله پایانی غسل، زدودن بدن میت از باقیمانده سدر و کافور باشد.

بنابراین، اندک روایات مرتبط در ابواب غسل نیز دلالت آشکاری بر این که «آب مضاف، حَدَث را رفع نمی‌کند و خَبَث را نمی‌زداید»، ندارند. بلکه از منظر دیگری، روایات تغسیل میت با آب‌های مضاف به سدر، کافور و امثال آن، می‌توانند مصادیق نقض آن مدعا باشند.

۶-۲-۲. سایر احادیث مورد ادعا

استناد حر عاملی به روایات دیگر با عبارت «و غیر ذلک» (همان، ج ۱، ص ۲۰۲)، دست کم به دو دلیل قابل پذیرش نیست. نخست، مبهم بودن و استناد به فضایی نامعلوم از روایات؛ دوم، اگر در سایر روایات دلالت آشکارتری بر مدعای شیخ وجود داشت، علی‌القاعده وی می‌بایست آن‌ها را در همین باب ذکر می‌نمود. اما پژوهش مؤسسه آل‌البیت، چند روایت دیگر از ابواب جنابت را که بر جواز غسل ارتماسی در آب یا در زیر باران دلالت می‌کنند، نیز محتمل دانسته است (همان، ج ۲، ص ۲۳۱-۲۳۲، ح ۱۰-۱۵).

بررسی مدلول این روایات نشان می‌دهد که تنها ارتباط ادعایی آن‌ها با آب مضاف این است که در آن‌ها واژه «ماء» بدون قید ذکر شده و چنین برداشت شود که منظور این روایات، ضرورت اطلاق آب غسل بوده است؛ اما رد این برداشت در بخش ۲-۲-۴ بیان شد. به‌علاوه از آن‌جا که غسل ارتماسی عرفاً در آب‌های جاری، راکد و یا حوض انجام می‌شده، موضوع غسل با آب‌های مضافی مانند گلاب از اساس در این روایات مطرح نبوده است.

۳-۲. روایات وضو و تطهیر با نیبذ

حر عاملی در باب حکم نیبذ و لبن از ابواب آب مضاف، سه حدیث را نقل می‌کند که هر سه بر جواز وضو با نیبذ دلالت می‌کنند (همان، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۴). در یکی از این احادیث، روش درست کردن نیبذ غیر مُسکر در زمان پیامبر (ص) به نقل از امام صادق (ع) با ریختن یک یا دو کف دست خرما در یک مشک آب بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۳؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۶).^۱

^۱ برای مشاهده حدیث وضو گرفتن پیامبر (ص) با نیبذ در منابع عامه ببینید: عبدالرزاق، ۱۴۳۶ق، ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۳

شیخ حر پس از اشاره به نظر شیخ طوسی در مورد نبیذ غیر مسکر مبنی بر این که ریختن خرما در آب برای از بین بردن شوری و تلخی آب و به حدی نبوده است که باعث سلب اطلاق اسم آب شود، احتمال می‌دهد که روایات وضو با چنین نبیذی یا از روی تقیه صادر شده و یا اینکه نبیذ مورد نظر از عنوان آب مطلق خارج نبوده است و از این رو شرب و طهارت با آن بدون اشکال است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۴).

بر مبنای روایات این باب، موارد زیر را می‌توان در حوزه مورد بحث نتیجه گرفت:

- ۱) نبیذ غیر مُسکر در واقع آبی است که با خرما و در روایت دیگری با کشمش (همان، ج ۲۵، ص ۳۵۲) شیرین شده و در برخی از روایات، روش تهیه آن بیان شده است.
 - ۲) حتی با فرض صاف بودن آب مشک از ذرات خرما، ریختن خرما در این مقدار از آب، دست‌کم می‌تواند به آسانی طعم آب را تغییر دهد. این تغییر از ابتدا مورد نظر بوده است و به همین دلیل خرما را در آب می‌ریخته‌اند.
 - ۳) نبیذ غیر مُسکر در واقع نوعی از آب مُمتزج یا آمیخته است که به سبب آمیخته شدن با خوراکی‌های شیرین، دست‌کم طعم آن تغییر کرده و به لحاظ عرفی از اطلاق اسم آب خارج شده و عنوان نبیذ به خود گرفته است و از این رو نمی‌توان از مضاف بودن آن صرف نظر کرد.
- بنابراین روایات این باب نه تنها بر مدعای شیخ حر دلالت ندارند، بلکه به خلاف آن یعنی جواز وضو با نوعی از آب‌های مضاف دلالت می‌نمایند.

۲-۴. روایت وضو با گلاب (ماء‌الورد)

جواز وضو با گلاب در روایات امامیه باز می‌گردد به یک حدیث از کتاب الکافی که شیخ حر به نقل از کلینی (۳۲۹ق) در ابواب آب مضاف و مستعمل در باب «حکم ماء‌الورد» آورده است:

... از یونس از ابوالحسن (ع)، گفت: پرسیدم از ایشان در مورد شخصی که با گلاب غسل می‌کند و با آن برای نماز وضو می‌گیرد؛ فرمود: اشکال ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۴).

شیخ حر در ذیل روایت، ابتدا قول شیخ طوسی را نقل می‌کند که این خبر شاذ و اجماع عصابه بر ترک آن است و این‌که او احتمال داده است، مراد از ماء‌الورد، آبی باشد که در آن گل ریخته‌اند، زیرا به آن نیز ماء ورد می‌گویند، حتی اگر عصاره گل نباشد. شیخ حر سپس ضمن مطرح کردن احتمال تقیه، احتمال شیخ طوسی را مشروط به عدم خروج از عنوان آب می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵). البته شیخ طوسی در *الخلاف* بیان می‌کند که وضو با مایعاتی غیر از آب، بنا بر نظر أصم جایز است و برخی از اصحاب حدیث و علمای امامی نیز وضو با گلاب را جایز می‌دانند (طوسی *الخلاف*)، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۵).

در ادامه، مهمترین نظرات مطرح شده در ذیل روایت مذکور به اختصار بررسی و نتیجه‌گیری می‌شود:

۱) بررسی منابع روایی امامی نشان می‌دهد که این روایت، خبر واحد به حساب می‌آید ولی اجماع مذکور تا زمان شیخ طوسی دست کم دو استثناء دارد. نخست، شیخ صدوق (د۳۸۱ق) در کتاب *من لا یحضره الفقیه* که در ذیل یکی از احادیث باب آب‌ها، وضو و غسل با گلاب را روا می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶) و دیگر، سید مرتضی (د۴۳۶ق) که وضو با آبی که با مایعات یا جامدات پاک درآمیخته را تا زمانی که غلیظ نشده، جریان داشته و بر سرشت خود و بر اطلاق اسم آب باقی مانده است، جایز می‌داند (شریف مرتضی، ۱۴۷۱ق، ۴۰ و ۷۳).

۲) فیض کاشانی (د۱۰۹۱ق) در *الوافی مبنای استدلال* شیخ طوسی را رد می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۲۵) و در *مفاتیح الشرایع* با احتمال قوی وضو با گلاب را جایز می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۷).

۳) شیخ طوسی با بیان احتمال ریختن گل در آب، در واقع وضو با گلاب را به‌طور مشروط پذیرفته است. او در *المبسوط* اضافه می‌کند که اگر آب با گلاب مخلوط شود، حکم بر بی‌شتر است. یعنی اگر گلاب بیشتر باشد، وضو با آن جایز نیست و اگر آب بی‌شتر باشد، جایز است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۸).

^۱ابوبکر الأصم (د۲۰۱ق) فقیه معتزلی است.

۴) با توجه به اینکه حر عاملی در ذیل روایت، اقوال شیخ طوسی را بازگو کرده است و از آنجا که به خلاف شیوه معمول خود، در این باب نظر خود را در عنوان باب بیان ننموده و عنوان باب را «حکم گلاب» برگزیده است، می‌توان نتیجه گرفت که او به طور صریح مخالف وضو با گلاب نبوده و عدم خروج از اسم آب را برای گلاب پذیرفته است.

۵) محقق خویی (۱۴۱۳ق) گلاب را بر سه قسم می‌داند: الف- نوعی که مُعَصِّر یا عصاره گل است و در زمان‌های متأخر مشاهده نشده و شاید در روزگار قدیم بوده است (و مضاف به حساب می‌آید)؛ ب- نوعی که از ریختن گل در آب حاصل می‌شود و آب در اثر مجاورت، بوی گل به خود می‌گیرد. این گلاب از اطلاق عنوان آب خارج نیست و وضو و غسل با آن صحیح است؛ ج- گلابی که با جوشاندن گل در آب و تقطیر آن به دست می‌آید. این نوع نیز به دلیل کم بودن مقدار گل در آب، مضاف به حساب نمی‌آید و وضو با آن صحیح است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲-۳۴). به نظر او شاید گلاب مضاف در زمان ائمه (ع) وجود نداشته و جواز وضو و غسل با گلاب در روایت مذکور به قسم دوم و یا سوم بازگردد (همان، ج ۱، ص ۳۴).

جمع بندی روایت وضو با گلاب:

۱) پذیرش روایت، مشروط به این که گلاب از اسم آب خارج نشود؛ این اشکال وارد می‌شود که گلاب هر چه باشد، دست کم بوی آن تغییر کرده و به همین سبب عرفاً از عنوان آب خارج شده است. اشکال دیگر این که در روایت وضو با گلاب، هیچ قید یا معیار مشخصی مانند تغییر رنگ یا بو ذکر نشده است.

۲) عدم پذیرش روایت: بر اساس آنچه که در بخش ۲-۲-۱ بیان شد، این اشکال مطرح می‌شود که چگونه وضو با آب آجن (متعفن) جایز باشد ولی وضو با گلاب خوشبو جایز نباشد. نتیجه این که با پذیرش منطقی روایت گلاب، به‌ویژه با وجود روایات آب دریا، نیذ و آب آجن که هر یک به نوعی آب مضاف هستند، مدعای شیخ حر (مضاف حدث را رفع نمی‌کند) با چالشی جدی روبرو می‌شود.

۲-۵. روایات آب‌های گرم معدنی

حر عاملی در یکی از ابواب آب مضاف، با عنوان «جواز طهارت با آب‌های گرمی که بوی کبریت از آن‌ها به مشام می‌رسد و کراهت استشفاء از آن»، چهار حدیث را گرد آورده است که همگی آن‌ها دلالت دارند بر این که پیامبر (ص) از استشفاء در چشمه‌های آب گرمی که از آن‌ها بوی کبریت به مشام می‌رسد و یا آب‌های گرمی که در کوه‌ها یافت می‌شود، نهی فرموده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱).

در این موضوع، نظر شیخ حر از عنوان باب آشکار است. مجلسی اول (د ۱۰۷۰ق) نیز در شرح یکی از همین منقولات تصریح می‌کند، از آن‌جا که تطهیر با آب‌های مذکور در روایات نهی نشده، پس جواز تطهیر [با آب‌های گرم معدنی] به قوت خود باقی است (مجلسی (محمدتقی)، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۹۱). همچنین جمال‌الدین عاملی (د ۱۰۱۱ق) گزارش می‌دهد که در میان علمای امامیه کسی را مخالف با این نظر نمی‌شناسد، مگر ابن‌جنید که طهارت با آن را مکروه و ابن‌براج که استعمال آن را مکروه دانسته‌اند (عاملی (جمال‌الدین)، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰۲).

به این ترتیب در نظر شیخ حر و عموم علمای امامیه، وضو و طهارت و سایر استفاده‌ها از آب‌های گرم معدنی، جایز و حداکثر مکروه دانسته شده است. اما نکته قابل توجه در حوزه بحث آب مضاف این است که به‌رغم تصریح روایات بر مضاف و آمیخته‌شدن آب این چشمه‌ها به کبریت (گوگرد) و تغییر بو و احتمالاً رنگ آن، همچنان برطرف‌کننده حدث و زایل‌کننده خبث، دانسته شده است.

۲-۶. روایات خوراکی‌های مایع و ظروف آن

حر عاملی سه روایت را با موضوع حکم استفاده کردن از روغن و یا آبگوشتی که به نجاست آلوده شده در یکی از ابواب آب مضاف نقل کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶). آن‌ها نکته مهم، عنوان این باب است؛ شیخ حر بر اساس قول مشهور فقهای متقدم که درباره آن ادعای اجماع نیز شده (نک: مسعودی‌پور و دیگران، ۱۴۰۴ش، ص ۱۲۵)، عنوان باب را تنظیم نموده است: «باب نجس شدن آب مضاف در برخورد با نجاست، حتی اگر زیاد باشد و همچنین سایر

مایعات» (همان، ج ۱، ص ۲۰۵). او در ذیل باب اضافه می‌کند که نصوص در این زمینه زیاد است و در ابواب نجاسات و اطعمه خواهد آمد (همان، ج ۱، ص ۲۰۶). از این رو به منظور بررسی مدعای شیخ حر، روایات باب مذکور و سایر روایات مورد اشاره او بر اساس پی‌شنهاد مؤسسه آل‌البیت (همان، ج ۱، ص ۲۰۶، پاورقی)، دسته‌بندی و دلالت آن‌ها مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲-۶-۱. احادیث مایعات غیر از آب

بر اساس این روایات هنگامی که نجاست و به‌طور اخص هوش یا حیوان مرده (همان، ج ۱، ص ۲۰۶، ج ۱؛ ج ۲۴، ص ۱۹۴-۱۹۶، ج ۱-۵ و ۷ و ص ۱۹۸، ج ۳؛ ج ۱۷، ص ۹۷-۹۸، ج ۱-۵) در ظرفی از روغن یا عسل فروبیفتد، اگر جاری باشد (مانند زیت) از آن استفاده نمی‌شود، مگر برای روغن چراغ و اگر جامد باشد (مانند سمن و عسل جامد)، قسمت آلوده شده آن جدا می‌شود و باقیمانده آن قابل خوردن است. حکم غذای جامد (مانند ظرفی که در آن نان ترید شده است) نیز همچون روغن جامد است (همان، ج ۲۴، ص ۱۹۵، ج ۳).

اما از آن‌جا که در زمان صدور روایت، روغن و عسل و امثال آن در کوزه‌هایی با گنجایش متعارف، مصرف و نگهداری می‌شده است، بعید است که مقادیر بسیار زیاد از مایعات، مورد نظر این روایات باشد. در دو مورد از این روایات از ظرف روغن به خابیه (همان، ج ۱، ص ۲۰۶، ج ۲) یا جرّه (همان، ج ۲۴، ص ۱۹۸، ج ۳) تعبیر شده است. خابیه، همان حُب است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۲۳۲۵) و حُب را جرّه (کوزه) بزرگ دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۱). به تصریح روایت اخیر اگر سگی از روغن یا شیر کوزه‌ای بنوشد، خوردن آن جایز نیست ولی اگر مقدار آن بیش از یک کوزه باشد، اشکال ندارد.

در نتیجه، مدلول روایات این گروه به طور دقیق، عدم جواز اکل و شرب مایعاتی مانند روغن، عسل و شیر است؛ هنگامی که در ظروفی مانند کوزه و سایر ظروف متعارف آن روزگار به مردار یا ناپاکی آلوده شده باشند.

۲-۶-۲. احادیث ظروف

این روایات در قالب سه گروه دسته‌بندی و بررسی می‌شوند:

الف- عدم جواز خوردن از ظروف و مطبوخ اهل ذمه و مجوس و نوشیدن از ظروفی که در آنها شراب می نوشند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۱)؛

ب- جواز استفاده از ظروف شراب، پس از شستشو (همان، ج ۳، ص ۴۹۴، ح ۱ و ۲)؛

ج- عدم جواز استفاده از آب کاسه‌ای که به نجاست آلوده شده است (همان، ج ۳، ص ۵۰۵، ح ۲).

روشن است که میان مدلول اصلی این روایات با مدعای شیخ حر (نجس شدن آب مضاف و سایر مایعات در برخورد با نجاست، حتی اگر زیاد باشد)، تفاوت چشم‌گیری وجود دارد. چراکه گروه الف، به نجاست و یا پلیدی شراب و ذبیحه اهل کتاب نظر دارد و موضوع مضاف بودن آب در آنها مطرح نیست. روایات گروه ب و ج نیز از موضوع بحث خارج هستند.

۳-۶-۲. روایات مَرَق (آبگوشت یا خورش)ت

این روایات و مدلول اصلی آنها را نیز می‌توان در سه گروه دسته‌بندی و بررسی نمود:

الف- اگر در ظرف طبخ گوشت (قدر)، مقداری خون باشد، خوردن آن پس از حرارت (آتش) دیدن و پخته شدن اشکال ندارد (همان، ج ۲۴، ص ۱۹۷، ح ۲ و ۳؛ همان، ج ۳، ص ۴۷۰، ح ۸).

در خصوص روایات این گروه از شیخ مفید تا شیخ حر و مجلسی احتمالات و بحث‌هایی ذیل روایات مطرح بوده است که همگی به شرایط و حکم خوردن خون همراه با گوشت در ظرف طبخ غذا مربوط می‌شود (همان، ج ۲۴، ص ۱۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۹۱-۹۲). به‌عنوان نمونه، مجلسی قول به حلیت را به طور مطلق، خالی از قوت نمی‌داند (همان، ص ۹۲).

ب- اگر موش [مرده‌ای] در ظرف طبخ گوشت (قدر) افتاده باشد، آب آن دور ریخته می‌شود ولی گوشت را پس از شستن می‌توان خورد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۳).

روشن است که این روایت با توجه به مبتلا به بودن موضوع، یعنی افتادن موش در ظرف غذا و مردن آن در درون ظرف، صادر شده است. چراکه بر اساس برخی از روایات ابواب طهارت، استفاده از نیم‌خورده موش جایز است (همان، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۱). از سوی دیگر، با توجه به روایاتی که حکم اجتناب از آب ظروف کوچکی که نجاستی در آن افتاده است را بیان می‌کند

(مانند: همان، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۲، ح ۱، ۲ و ۴)، مضاف بودن آب در اینجا مدخلیت ندارد و این روایت نیز، حکم افتادن مردار (ناپاکی) در آب کم (قلیل) را بیان کرده است.

ج- اگر خمر یا نبیذ مُسکر در ظرف طبخ گوشت (قدر) که مقدار کثیری گوشت و آب در آن باشد، بیفتد، آب گوشت را دور می‌ریزند یا به اهل کتاب می‌دهند ولی گوشت آن را پس از شستن می‌توان خورد (همان، ج ۳، ص ۴۷۰، ح ۸).

از آن جا که ظروف متعارف طبخ گوشت (قدر) نمی‌تواند گنجایش زیادی داشته باشد، به‌ویژه که بنابر گزارش اُزدی (۴۶۶ق) نوعی از آن را از سنگ می‌ساخته‌اند (اُزدی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۱۵)، واژه کثیر در این حدیث بر کثرت نسبی و در حد ظروف طبخ دلالت دارد. هم‌چنین در این جا نیز به نظر می‌رسد که مضاف بودن آب، مدخلیت ندارد و موضوع اصلی حدیث، واقع شدن نجاست یا پلیدی در مقادیر کم آب یا غذا باشد. به‌علاوه احتمال دارد که نهی از مسکرات نیز مورد نظر بوده باشد و امام (ع) به منظور پیش‌گیری از طبخ یا آمیختن غذا با هر مقداری از مسکرات، چنان پاسخی را بیان نموده‌اند.

بنابراین روایات مَرَق را نیز نمی‌توان به منزله مؤیدی برای این مدعا به حساب آورد که «آب مضاف و سایر مایعات در برخورد با نجاست، نجس می‌شوند، حتی اگر زیاد باشد». چراکه: (۱) زیاد در روایات مَرَق، نسبی است و باید آن را در تناسب با ظروف طبخ غذا سنجید؛ (۲) در این روایات بیش از آن‌که موضوع مضاف بودن آب مطرح باشد، کم بودن آب یا مضاف شدن به نجاست مطرح است؛ (۳) این روایات همگی به موضوع طبخ غذا، آن هم با گنجایش متعارف ظروف طبخ در هنگام ملاقات با مردار یا شراب اختصاص دارند.

در مجموع، مدلول روایات ابواب مایعات غیر از آب، ظروف و آبگوشت (مَرَق)، بر مدعای شیخ حر دلالت تام ندارند و همان‌گونه که پژوهش پیش‌گفته با بررسی چند روایت و با رویکرد فقهی، ضمن عدم قبول اجماع محصل، خلاف قول مشهور را نتیجه گرفته است (مسعودی‌پور و دیگران، ۱۴۰۴ش، ص ۱۳۳)؛ نمی‌توان از این روایات نتیجه گرفت که مقادیر زیاد همه انواع آب‌های مضاف و یا سایر مایعات در برخورد با نجاسات اندک، نجس می‌شوند.

نتیجه گیری

(۱) در روایات امامیه، الفاظ مضاف و مطلق به منزله یک ویژگی برای آب کاربرد نداشته است؛ به جز از یک مورد که در صحت انتساب آن به امام (ع) تردیدهای جدی و جود دارد. هم چنین در روایات امامیه، هیچ تعریفی برای مفاهیم «آب مضاف» و «آب مطلق» نیز ارائه نشده است.

(۲) هیچ یک از روایات ادعا شده در ابواب آب مضاف و مطلق، نجاسات، تیمم، وضو، غسل و سایر ابواب مرتبط، دلالت صریحی بر عنوان باب «مضاف حدّث را رفع نمی کند و خبث را زایل نمی کند» ندارند. بلکه مدلول این روایات عبارتند از: ضرورت وضو با آب پاک، جایز نبودن طهارت با آب متغیر به نجاست و عدم جواز وضو و غسل با ادرار و شیر حیوانات. روشن است که با در نظر گرفتن غلظت زیاد چربی در شیر خالص و چسبندگی آن و نامتعارف بودن وضو با ادرار حیوانات، نمی توان از عدم جواز وضو با این مایعات، عدم جواز وضو با مایعات دیگری همچون گلاب را نتیجه گرفت. برخی از روایات ادعا شده در این حوزه نیز بر موضوعات نامرتبط دیگری دلالت دارند.

(۳) نتایج پیش گفته به علاوه روایاتی که دلالت آشکاری دارند بر جواز وضو و طهارت با آب رودخانه ها، دریاها، نیبذ (غیر مُسکر)، آب های متعفن، گلاب و آب های گرم چشمه های بدبو (که همگی به نوعی مضاف به حساب می آیند)، عنوان باب مذکور و قول مشهور نفی می شود.

(۴) روایات ادعا شده در بابی با عنوان «آب مضاف و سایر مایعات در بر خورد با نجاست، نجس می شوند؛ حتی اگر زیاد باشد» و روایات سایر ابواب مرتبط، هیچ دلالت صریحی بر عنوان باب ندارند، بلکه آن روایات حداکثر در مقیاس و سنجه ظروف طبخ و اکل غذا کاربرد دارند.

نتیجه این که بر مبنای مطالعه موردی این پژوهش، تبویب روایات در جوامع حدیثی اگرچه دسترسی به احادیث مرتبط با یک موضوع را آسان می نماید، اما از منظر آسیب شناسی فهم حدیث، ممکن است، نخست خود مؤلف و به اقتضای او دیگر حدیث پژوهان را از سایر روایات قابل

ارتباط با موضوع، غافل و نگاه جامع‌نگر در فهم احادیث را مختل نماید. هم‌چنین همان‌گونه که از نتایج بررسی ابواب آب مضاف حاصل شد، بسیار محتمل است که عناوین ابواب یک جامع روایی، تحت تأثیر پیشینه ذهنی یا نظر مؤلف یا نظر مشهور شکل گرفته باشد و در قالب آسیب‌های چون «جهت‌دار بودن عناوین ابواب»، «تکثیر غیرمرتبط» یا «ادعای کثرت روایات موافق با نظر مؤلف»، منجر به پیش‌داوری محققان حوزه حدیث و رهن فهم درست روایات شود و لازم است، چنین آسیب‌های ناخواسته‌ای که در پی تبویب موضوعی احادیث بروز می‌کند، در پژوهش‌های فقه‌الحدیثی مد نظر قرار گیرد.

منابع:

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *کتاب من لا یحضره الفقیه*. تصحیح: غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهره اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- آزدی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۷ش). *کتاب الماء*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- استادی، رضا (۱۳۸۰ش). «کتاب‌شناسی و نقد: تحقیقی پیرامون کتاب فقه الرضا (ع)». *مشکوه*. (۷۲ و ۷۳)، ۱۶۰-۱۵۴.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. بیروت: دار طوق النجاة.
- ربانی، حسن (۱۳۸۸ش). «روش‌شناسی تدوین حدیث در وسائل الشیعه». *مجله فقه*. ۱۶ (۲)، ۱۹۵-۲۱۱.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *رؤوس المسائل*. تحقیق: عبدالله نذیر احمد. بیروت: دار البشائر الاسلامیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح*. تحقیق: عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. تحقیق: مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). *إرشاد الأذهان*. تحقیق: فارس الحسون. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*. تقریر: میرزا علی غروی. قم: لطفی.

شریف مرتضی (۱۴۱۷ق). *المسائل الناصریات*. تحقیق: مرکز پژوهش‌ها و تحقیقات علمی تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الإسلامیه.

صفری فروشانی، نعمت‌الله و محدثی‌ذاکری (۱۳۹۳ش). «کاشی در کتاب التکلیف شلمغانی بررسی جایگاه و سیر تاریخی آن». *شیعه پژوهی*. ۱ (۱)، ۲۵-۴۴.

طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۳ش). *منطق فهم حدیث*. چاپ دوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار*. تحقیق: حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). *تہذیب الاحکام*. تحقیق: حسن الموسوی. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. تحقیق: خراسانی و دیگران. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی الفقه الامامیه*. تحقیق: کشفی. چاپ سوم. تهران: مکتبه المرتضویه.

عاملی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق). *معالم الدین (قسم الفقه)*. تصحیح: حکیم، قم: مؤسسه الفقه. عبدالرزاق، ابن همام صنعانی (۱۴۳۶ق). *المصنف*. تحقیق: دار التأویل. قاهره/بیروت: دار التأویل.

فتاحی‌زاده، فتحیه و نجیمه افشاری (۱۳۹۱ش). «جایگاه نقد حدیث در وسائل الشیعه».

تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ۹ (۱)، ۱۰۹-۱۴۳. ۲۰۱۳، ۸۹۳. ۱۰، ۲۲۰۵۱/TQH.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
- الفقه المنسوب الى الامام الرضا (ع)*. تحقیق: مؤسسه آل البيت (ع). مشهد: مؤسسه آل البيت (ع). ۱۴۰۶ق.
- فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۰۱ق). *مفاتیح الشرایع*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تحقیق: جمعی از محققان. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول*. تحقیق: رسولی محلاتی. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین*. تحقیق: موسوی کرمانی و اشتهااردی. چاپ دوم، قم: مؤسسه کوشان پور.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی*. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹ش). *روش فهم حدیث*. چاپ ششم. تهران: سمت.
- مسعودی پور، شایان؛ نرگس تابش و محمد حیدری (۱۴۰۴ش). «تحلیل دیدگاه مشهور فقها در سرایت نجاست آب مضاف و مایعات کثیر ملاقی نجاست». *فقه*. ۳۲ (۱۲۲)، ۱۱۵-۱۳۸.
- ۱۰، ۲۲۰۸۱/JF.۲۰۲۵، ۷۰۰۲۸، ۲۸۴۸
- مهریزی، مهدی (۱۴۰۰ش). «درآمدی بر تبویب کتب حدیث». *علوم حدیث*. ۲۶ (۱۰۰)، ۶۳-۴۲.
- مهریزی، مهدی و جواد فتحی (۱۳۹۶ش). «بررسی و تحلیل سندی احادیث طبی در بحار الانوار بر اساس مجلد ۵۹». *حدیث پژوهی*. (۱۷)، ۲۱۴-۱۹۳.
- نصیری، علی (۱۳۹۰ش). *روش شناسی نقد احادیث*. قم: وحی و خرد.

أَمَلَهُ الْفَتْحُ